

ماجرای نفله شدن صدها میلیارد سرمایه ملی!

نویسنده: احمد بشیری

نمایندگان جلیل‌القدر دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، کثرالله تعالی امثالهم^(۱)، در ماه‌های پایانی عمر نمایندگی خودشان، به تلاش و تکاپویی در جهت احیاء و یا احقاق حقوق حقه مردم پرداخته‌اند که الحق و الانصاف، در خود هرگونه قدردانی و سپاسگزاری است.

این بندگان خوب و نظر کرده خدا، با آن‌که بسیاری‌شان، به خوبی می‌دانند که در دوره آینده مجلس، توفیق تکیه زدن بر کرسی نمایندگی را نخواهند یافت، و شاید برخی از آنان، متقاعد هم شده باشند که برای همیشه، فکر نماینده مجلس شدن را، از سر بدر کنند. باز هم، هرروز که به پایان عمر مجلس پنجم نزدیک‌تر می‌شوند،^(۲) بر تقلا و تلاش خودشان بیشتر می‌افزایند چندان‌که، آدم بی‌گمان می‌شود که آنها، تصمیم دارند فرصت و مجال هیچ خدمت شایسته و مهمی را، به ملت بزرگ ایران اسلامی، برای نمایندگان دوره آینده مجلس، باقی نگذارند مگر زمینه‌ای فراهم کنند تا آن نمایندگان تازه از راه رسیده، بدون داشتن، دغدغه گذراندن طرح یا تصویب قانون جدیدی، چهار سال دوران نمایندگی را، راحت و فارغ‌البال و با نثار دعای خیر به جان اسلاف خودشان، سپری کنند، و یا این‌که تا آخر دوره نمایندگی‌شان، حسرت بخورند که چرا نتوانسته‌اند مانند نمایندگان دوره پنجم، منشاء و مصدر خدمات مهم و به یاد ماندنی بشوند!

سوی مغرب، چو رو کند خورشید

سایه‌ها را، درازترینی

خداوکیلی، حاصل مجاهدت‌های خدمتگزارانه حضرات نمایندگان مجلس پنجم، تصویب قوانین یا تقدیم طرح‌هایی مترقیانه و از هر لحاظ عام‌المنفعه بوده است که برای نمونه‌هایی کوچک، از قانون نظارت استصوابی، قانون اصلاح قانون مطبوعات و طرح تقسیم وزارت اطلاعات باید نام برده شود که حقیقتاً جای امثال آنها، در میان صدها قانون ریز و

درشت این کشور خالی بود «آیدهم‌الله»^(۳).

اما در شمار خدمات بی‌بدیل نمایندگان ارجمند دوره پنجم قانونگذاری، یک مورد هست که می‌توان گفت از تمام خدمات آنان، در این دوره، چند سر و گردن از آن‌های دیگر، بالاتر و دارای فضیلت و ثواب بیشتر است.

درست چهار هفته مانده به پایان عمر پابریکت دوره پنجم قانونگذاری، یعنی به روز چهارشنبه، چهاردهم اردیبهشت ماه امسال، در جلسه علنی شماره ۳۷۸ مجلس، «کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و تعاون» مجلس، گزارش خود را، «در خصوص تحقیق و تفحص در مورد نحوه واگذاری کلیه شرکت‌ها و کارخانجات، به بخش خصوصی، از سال ۱۳۷۰ تاکنون» به مجلس داد.

این گزارش، در نوع خودش، مفصل، مستند، مستدل و از هر لحاظ جامع و کامل و به کوتاه سخن، بسنده و خرسندکننده است.

موضوع گزارش، اداء توضیحات درباره یک واقعه ناگوار و متأثرکننده، مربوط به تاراج سرمایه ملی به توسط مدیران و گردانندگان وزارت صنایع است که از خواندن آن، آدمی دچار دوارسر می‌شود و اگر یک‌جو، عرق ملی و دلبستگی به سرنوشت این کشور و مردمش داشته باشد، بی‌اختیار، اشک از دیدگانش سرازیر می‌گردد و از آن موجودات بی‌رحم و عاطفه‌ای که راضی شده‌اند به خاطر رسیدن به جیفه دنیوی، این‌گونه منال عمومی را، به آتش بکشند، دلش آتش می‌گیرد و جاننش آزرده می‌گردد!

این گزارش، به خوبی نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ در دو سازمان صنایع ملی ایران و گسترش و نوسازی صنایع و هر دو، وابسته به وزارت صنایع، نزدیک به ۱۵۰ شرکت سرمایه‌گذاری بزرگ و سودآور، با کارخانه‌های مربوط به آنها، از سوی مدیران و گردانندگان سازمان‌های یاد شده، به ثمن بخش و یا به اصطلاح عامیانه، به مُفت و پانصد، به کس و کارها و یار غارها و در یک کلام، اوغلان

اوشاق‌های همان مدیران واگذار و در پاره‌ای موارد، بهای این واگذاری‌ها نیز، هپرو و هیأ منثورا گردیده^(۴) است.

در این گزارش، سخن از صنّار و سه‌شاهی نیست، بلکه صحبت از نفله شدن صدها میلیارد سرمایه این ملت است یعنی داستان، مربوط به یک ریخت و پاش و حاتم بخشی تاریخی و فراموش نشدنی است که شاید در میان تمام تاراج‌های همانندش، در سطح جهان، نمونه بارز و یا در همین پایه باشد!!

پیش از آن‌که به تفصیل این گزارش بپردازم، دلم می‌خواهد تکلیف سؤالانی را، که برایم پیش آمده است روشن کنم و از اهل خرد بخواهم ارشادم کنند:

سؤال اول این است که طرح و ارائه گزارش یاد شده، واقعاً یک شاهکار تمام‌عیار است اما با آن‌که عزیزان نماینده دوره پنجم، مدت چهارسال کامل، یعنی یک دوره نمایندگی مجلس را، وقت داشته‌اند تا گزارش تحقیقی و تفحصی خودشان را، درباره نابود شدن این رقم هنگفت سرمایه ملی تکمیل و به مجلس تقدیم کنند و با فرصت چهار ساله پیش رویشان نیز، آن را به نتیجه و فرجام خداپسندانه‌ای که مورد نظرشان بوده است برسانند و شخصاً شاهد و ناظر پیگرد و کیفر قانونی گناهکاران نابودی سرمایه ملی باشند، چرا حالا تنگ کلاغ پر، خون میهن‌دوستی، در رگ‌هایشان به جوش آمده و در واپسین روزهای خدمتگزاری به فکر عرضه چنین خدمت سترگی افتاده‌اند؟

بی‌گمان هستم و قطعاً خواهران و برادران نمایندگان دوره پنجم نیز نباید شک کنند که نتیجه‌گیری از ارائه گزارش تحقیق و تفحص درباره... به زمان نمایندگی آنان وصال نخواهد داد، پس چرا، آن همه سال و ماه و هفته را، درنگ کرده، فرصت‌های طلایی را از دست داده و از ارائه این خدمت روشنگرانه و بزرگ سرباز زده‌اند و در این روزهای پایانی مدت نمایندگی، شتابکارانه افاده مرام فرموده‌اند!

سؤال دوم این است که تاراج و چپاول

گروهی از کارکنان وزارت صنایع درباره ثروت ملی این کشور، اگر خیلی بزرگش کنیم، تازه یک روی سکه این غارتگری‌ها، یعنی بخش کم‌اهمیت و فقیرانه دولتی آن است است، پس تکلیف روی دیگر سکه یعنی واگذاری شرکتها و کارخانه‌های بی‌شمار دیگری که در اختیار یا زیرپوشش بی‌حساب و کتاب بنیادهای گوناگون است، چه می‌شود و چه کسی می‌بایست درباره آنها سخن می‌گفت یا این‌که حالا باید بگوید؟

به یاد داریم، چند سال پیش (به گمانم اواخر دوره خدمت مجلس چهارم) یک تحقیق و تفحص دیگر هم، درباره یکی از بنیادهای بزرگ فراقانون کشور صورت گرفت و گزارشی نیز به مجلس تقدیم گردید که در آن هم، سخن از نابودی و حیف و میل میلیاردها سرمایه ملی در میان بود. اما، آن گزارش، چند صباحی نقل مجلس و نقل محفل نمایندگان ارجمند بود و بعد، ناگهان سر و صدایش خوابید و هیچ‌کسی درباره‌اش سخنی نگفت چونانکه: «تو گویی که رستم، ز مادر نژاد» چرا؟!!

توجه به این خبر، بد نیست:

بنیاد فاطمیه، سود هنگفتی را، از دست داد - ایستا؛ بازار بورس تهران، اوایل اردیبهشت ماه، شاهد افزایش ناگهانی ارزش سهام لاستیک دنا بود.

پیش از این، بنیاد فاطمیه قم که ۲۴ درصد سهام این شرکت تولیدی را، در اختیار داشت، با واگذاری حدود ۱۱ میلیون سهم، با قیمتی بین ۲۶۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال، سهم خود را، از مالکیت این واحد تولیدی، به ۲۰ درصد کاهش داد.

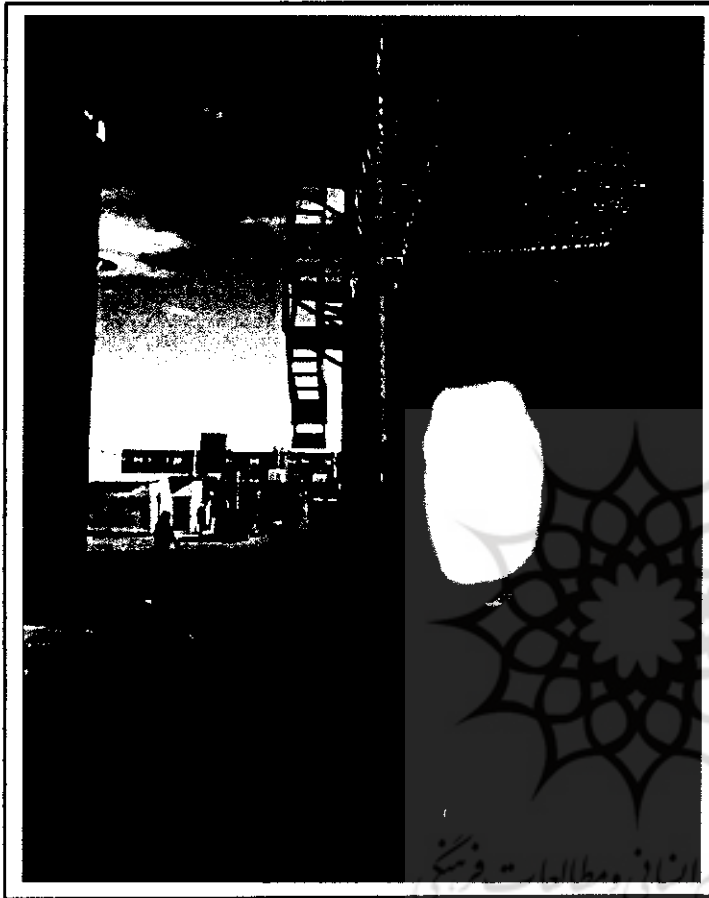
با اعلام سود جدید این شرکت و افزایش سود به ۲۵۰۰ ریال به ازای هر سهم، ناگهان، ارزش سهام آن به ۸۰۰۰ ریال رسید و این، در شرایطی بود که هیأت مدیره لاستیک دنا، در اواخر سال گذشته، سود هر سهم را، برای سال جاری، ۱۵۰۰ ریال پیش‌بینی و موجبات کاهش ارزش سهام را، تا ۲۶۰۰ ریال فراهم کرده بودند.

بنیاد فاطمیه، که پیش از این، سهامدار عمده لاستیک دنا بود، به دنبال اعلام سود اولیه این شرکت، به ازای هر سهم، میلیون‌ها سهم را، با قیمتی ارزان‌تر، از سوی شرکت کارگزاری عمران، عرضه کرد.

گفتنی است: این سهام، توسط افرادی

خاص، خریداری شد و در اندک مدتی، با اعلام مقدار سود حقیقی، بر مبنای قیمت‌های جدید، هر سهم در سال جاری، میلیاردها ریال سود را، نصیب عده‌ای کرد. (۵)

دوانی‌های دیگران، آتش به خرمن باورهای زده و آن را به تباهی کشانیده است. چندانکه گاهی، زورکی، به خود می‌قبولانم که همه این مقدمه‌چینی‌ها، برای کشیدن فرش از زیر پای



چه کسانی با زیرپا گذاشتن قانون اساسی، قوانین عادی، آئین‌نامه‌ها و مقررات شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی را به ثمن بخش تصاحب کردند؟ چه کسانی همدست آنها بوده‌اند و چرا ماجرای این نقل و انتقال‌های غیرقانونی، به مدت چند سال مسکوت مانده بود؟

رییس جمهوری است و از نیت خیر و قصد خدمت و اینگونه کلمات فریبنده، خبری و اثری در کار نیست!

شاهد مثال من، امثال این مطلب است که گهگاه، در رسانه‌های گروهی نوشتاری، دیده‌ام: گزارش تحقیق و تفحص خصوصی‌سازی در بوته نقد - هدف مجلس، محروم کردن دولت، از درآمدها است - سعید لیلانز: تحرک اخیر مجلس در ارائه گزارش تحقیق و تفحص از خصوصی‌سازی در وزارت صنایع، در واقع، تاکتیک شبه استراتژیک یک جناح خاص،

که به اشتیاق خدمت آنان شک کنم، و صدالبته، همه‌شان را: «شیفتگان خدمت» می‌دانم، نه «تشنگان قدرت»، ولی نمی‌دانم چرا، یک جور دلشوره و تردید آزارم می‌دهد و نمی‌توانم به راحتی بپذیرم که زیر کاسه، نیم‌کاسه‌ای نیست و همه حرکات و سکنات نمایندگان گرامی، خودجوش و بی‌شیله پيله است!

صوفی، نهاد دام و سرخچه باز کرد

بنیاد مکر، با فلک خُفّه باز کرد!

راستش، این شک و دودلی هم، ساخته و پرداخته ذهن و وجدان خودم نیست بلکه موش

برای زمین‌گیر کردن دولت خاتمی است و در واقع، این گروه با این قبیل اقدامات سیاست‌بازی در زمین سوخته را، اجرا می‌کنند.

سعید لیلاز کارشناس اقتصادی، با اعلام این مطلب در گفتگو با «بهار» اضافه کرد: گزارش ارائه شده از سوی مجلس، با اهداف سیاسی طراحی شده و کوچک‌ترین عنصر دلسوزی، در آن دیده نمی‌شود.

وی، که خود، اکنون مدیریت یکی از شرکت‌های خودروسازی را، برعهده دارد، در خصوص اهداف این گزارش گفت: هدف این طرح، جلوگیری از ادامه روند خصوصی‌سازی در ایران است.

وی افزود: در سال گذشته، دولت ۲۵۰ میلیارد تومان از تبصره ۳۵ و خصوصی‌سازی، درآمد کسب کرده است و هدف مجلس، محروم کردن دولت از این درآمد است. در سال ۷۸ عملکرد دولت، در این زمینه بسیار عالی بود.

وی، یکی از اهداف مهم این طرح را، زیر سؤال بردن و لغو کردن مدیریت دولتی دانست و گفت: «جناحی سعی دارد با ایجاد این قضیه، توان تصمیم‌گیری در فضای کنونی را، به دست بگیرد». او، اضافه کرد: من به اهداف آن مشکوکم و تصور می‌کنم کوچک‌ترین دلسوزی و علاقه‌مندی در مورد مسایل اقتصادی، در آن، به کار نرفته است.

وی، هدف از استراتژی خصوصی‌سازی را، کسب درآمد ندانست و گفت: «خصوصی‌سازی باید در ظرف زمانی و مکانی خود مورد بررسی قرار گیرد و در این زمینه، امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی، قابل بررسی است».

وی افزود: «در آلمان شرقی، ظرف سه سال یا بیشتر، کارخانه‌ها با قیمت یک مارک معادل ۴۰۰ تومان به بخش خصوصی واگذار شد و شرط واگذاری، افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بود و در هیچ کجای دنیا، کسب درآمد، هدف اولیه خصوصی‌سازی نبوده و یکی از عوامل شکست ایران نیز، در این نکته نهفته است».

لیلاز، خصوصی‌سازی را، بخشی از استراتژی کلان اقتصادی دانست و گفت: «این، فرایند، به تنهایی و در خلاء قابل‌اجراء نیست.

خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، آزادسازی واردات و صادرات، کوچک‌سازی حجم دولت و کاهش تصدی آن، تشنج‌زدایی بین‌المللی و غیره، باید به طور هم‌زمان اتفاق بیفتد. اما وقتی هیچ‌یک از این حوزه‌ها، اتفاق نمی‌افتد، طبیعی است نمی‌توان انتظار داشت خصوصی‌سازی موفق باشد».

این کارشناس اقتصادی، عمده‌ترین دلیل عدم موفقیت نسبی خصوصی‌سازی در فاصل سال‌های ۶۸ تا ۷۴ را، حرکت در خلاء دانست و گفت: «ما، در ایران، فرایند خصوصی‌سازی و تعدیل را، تجربه کرده‌ایم. این، یک تجربه بی‌همتا و تکرارنشدنی است اصلی‌ترین دلیل موفقیت خصوصی‌سازی در سال ۷۸ کسب همین تجربیات است و ما، در این زمینه، از روش آزمون و خطا، استفاده کرده‌ایم».

ایسنگ و قضیه مسئله‌ی عمومی تهران و دادستان دیوان محاسبات است که در جهت جستجویی از چپاول سرمایه‌های ملی و ممانعت از تبدیل «بیت‌المال» به «بیت‌الما» سریعاً اقدام کنند

وی، کسب موفقیت نسبی دولت در زمینه خصوصی‌سازی را، یکی از دلایل ارائه این طرح دانست و گفت: «در اسفندماه سال گذشته، رکود قیمت سهام از سال ۷۵ شکسته شد و رونق نسبی بسیار خوبی بر بازار بورس

حاکم شده و این بازار، رونق خود را باز یافته است. بخش مسکن نیز تکان خورده است و همه این تحركات، در واقع واکنش به این رونق است» (۶)

فردا، که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده، رهروی که: عمل بر مجاز کرد!

خوب، اکنون که از پنداشت‌های خودمان دربارہ شور خدمتگزاری نمایندگان گرامی مجلس پنجم، آن چنان‌که می‌خواستیم، طرفی نیستیم و تیرمان به سنگ خورد، برمی‌گردیم به سخن نخستین این وجیزه و موضوع گزارش تحقیق و تفحص مطروحه:

این گزارش، هرچه باشد و به هر مقصودی که فراهم گردیده باشد، به هر روی، حاوی اقلام و ارقامی است هنگفت و سرسام‌آور و اخبار به این واقیعت که یک عده زرنگ آقای مفت‌بر، با توطئه و تبانی و از راه ساخت و پاخت با مسدیران و گردانندگان وزارت صنایع و سازمان‌های وابسته به آن، درست و حسابی آتش به منال عمومی زده و میلیاردها تومان به ملت خسارت وارد کرده‌اند تا چند برابر آن، خودشان سود ببرند.

این گزارش، گواهی می‌دهد که در سال‌هایی که مسئولان و گردانندگان اصلیش، به آن، سال‌های سازندگی و دوران «پاکیزه» نام داده‌اند، تنها از دیدگاه مادی و از یک گوشه کوچک، زیر عنوان واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، چنان بیدادی بر دارایی عمومی روا داشته شد که «... نه تنها اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌ها، تحقق پیدا نکرده، بلکه زیان‌هایی را سبب شده که جبران آن، حتی در میان‌مدت، برای دولت و ملت ایران، میسر نخواهد بود...» (۷)

گزارش نشان می‌دهد که تمام شرایط و مقررات مربوط به واگذاری منال دولتی به بخش خصوصی، اعم از قانون، آیین‌نامه، بخشنامه، دستور وزیر وقت، تصمیم هیأت مدیره و... بارها و بارها نقض شده است تا واحدهای اقتصادی عظیم و سودآور، با اهداف دلال‌بازانه و غارتگرانه به اشخاص مورد نظر گردانندگان دستگاه‌های دولتی، واگذار شود و واقعاً در راه رسیدن به این مقاصد ناپاک، از هیچ تبهکاری و قسان‌شکنی و ارتکاب کارهای مستقلبانه، خودداری نشده است.

گزارش، به خوبی آشکار می‌کند که چگونه

گرگ‌هایی در لباس میش ظاهر شده‌اند و خائنانی در جامه خادمان، پای به عرصه عمل نهاده‌اند و برای پر کردن کیسه خود و یاران و بستگان خودشان، جوب حراج به دارایی عمومی کشور زده‌اند و چگونه بارها و بارها، برای به دست آوردن دستمالی، قیصریه‌ای را به آتش کشیده‌اند!

گزارش، از خیانت‌های آشکار کمیته‌های قیمت‌گذاری برده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که: «... کلیه شرکت‌هایی که از طریق مذاکره، به مدیران واگذار گردیده، پایه ارزش سهام، توسط مدیران، در جلسه تعیین گردیده و حداقل مبلغی بوده که برای فروش تعیین شده. طبعاً چون رقابتی صورت نگرفته، شرکت مربوطه، با حداقل قیمت ممکنه واگذار گردیده و حتی در تعدادی شرکت‌ها، بعضی از اموال، مورد محاسبه قرار نگرفته...»

مثلاً: «... نتیجه قیمت‌گذاری نشان می‌دهد که در واگذاری سهام ۴۷ شرکت مبلغی در حدود ۲۵۰ میلیارد ریال مورد محاسبه قرار نگرفته، علاوه بر آن، مبلغ یک میلیون و چهارصد و چهارده هزار و هفتصد و هشتاد دلار (۱۴۱۴۷۸۰) از کالای موجود در انبار شرکت صنایع سرما آفرین ایران، به حساب گرفته نشده...»^(۸)

گزارش حکایت می‌کند که «... سازمان صنایع ملی ایران، برای فروش سهام به روش‌های بورس و مزایده، اقدام به انتشار آگهی عام در جراید کشور نموده و بعضی از شرایطی را که در آیین‌نامه تعیین گردیده بود، در آن درج کرده، لکن در هنگام (بستن) قرارداد، تعدادی از مسایل را، لحاظ نکرده، بالاخص اگر مدیران شرکت، به عنوان برنده معرفی می‌شدند، شرایط مندرج در آگهی، برای آنان اعمال نمی‌شده است. در واقع فروش از طریق بورس و مزایده، محملی بوده که به نام قانون، مدیران و کارکنان، راحت‌تر و بدون دردسر و با توجه بهتر، بتوانند میلیاردها ریال سرمایه ملی کشور را، تصاحب نمایند...»^(۹)

یکی از راه‌های فروش سهام متعلق به دولت، «مذاکره مستقیم با متقاضیان خرید (البته با اولویت تعاونی‌های تخصصی - صنفی با شرایط مساوی تقاضا) بوده است، اما گزارش آشکار می‌کند که تقریباً در تمام موارد واگذاری

از این طریق، تخلفات بی‌شمار روی داده و: «... نه تنها آگهی‌های عام در روزنامه‌های کثیرالانتشار، جهت اطلاع عموم منتشر نشده، بلکه چگونگی، نحوه و شرایط فروش نیز، به دهها شخص حقیقی و حقوقی متقاضی خرید سهام اطلاع داده نشده و مذاکره، در اکثر قریب به اتفاق، با مدیرانی که مورد حمایت مقامات و مسئولین سازمان صنایع ملی ایران بودند، انجام شده و واحدها، بدون رعایت آیین‌نامه و مصوبات هیأت محترم وزیران، به تعدادی از مدیران و کارکنان و در بعضی موارد، به وابستگان آنها واگذار شده است...» و یا: «... دهها واحد تولیدی صنعتی را که سودآورترین و کم‌مشکل‌ترین واحدها بوده‌اند و هرکدام از آنها، حداقل ده الی پانزده متقاضی برای خرید داشته‌اند، توجهی به آنها نشده و صرفاً با تنظیم صورت جلسه‌هایی، قیمت‌گذاری و... به مدیران، اعضاء هیأت مدیره واگذار نمودند...»^(۱۰)

در موضوع واگذاری سهام دولت در شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی، مسئولان کار، به اندازه تمام مواد قانون مجازات، مرتکب گناه و عملیات مجرمانه شده‌اند

در حالی که برابر «لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» مصوب ۱۳۳۷، «حقوق بگیران و

کسانی که به هر نحوی از بودجه دولت امرار معاش می‌کنند، حق شرکت در معاملات دولتی را ندارند. و اگر چنین کنند، معاملات آنها باطل است، گزارش نشان می‌دهد که: «متأسفانه وزارت صنایع، در فروش سهام کارخانجات، بی‌واهمه، قانون مزبور (منع مداخله) را، که سالهای سال، در کشور جاری و ساری بوده، زیر پا گذاشته و دهها شرکت تولیدی صنعتی را، که بهترین و فعال‌ترین واحدها بوده‌اند، با انعقاد قراردادهای بی‌پایه و اساسی، میلیاردها سرمایه ملی کشور را، با حداقل قیمت، به تصرف تعدادی از مدیران و کارکنان، درآورده است.» گزارش نشان می‌دهد که «... بیشترین تخلف، در پنج ماهه اول سال ۷۳ صورت گرفته و واگذاری از طریق مذاکره، آن هم به بدترین کیفیت، بدون در نظر گرفتن شرایط آن، فقط با مدیران در این زمان صورت گرفته...»^(۱۱)

برابر این گزارش: «طبق مفاد قراردادهای منعقد، خریداران، برای تضمین پرداخت اقساط، مبادرت به ارائه چند فقره چک، به تعداد و مبلغ قسط و یک فقره چک به مبلغ کل اقساط (اصل قسط و کارمزد بانکی) و سفته در وجه سازمان صنایع ملی ایران، به مبلغ کل اقساط می‌نمودند و موظف بودند که قبل از تاریخ انقضای چک، به سازمان مراجعه و نسبت به تعویض آن اقدام نمایند.

سوابق موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، برخلاف تعهدات، متعهد، نه تنها اصل مبلغ را، به موقع پرداخت نکرده بلکه چک‌های بعدی نیز به موقع تعویض نشده و این امر، مشکلات عدیده‌ای را، برای سازمان ایجاد نموده است که در بسیاری از موارد، منجر به شکایت سازمان به قوه قضاییه و زندانی شدن خریدار (شده)، سپس، با وساطت دیگران، از زندان آزاد شده...»^(۱۲)

علی ای حال، هم‌اکنون که پنج سال از واگذاری‌ها گذشته و طبق مفاد قراردادها، باید کلیه اقساط در سال ۷۷ پرداخت می‌گردید، مبلغی بالغ بر حدود ۴۷ میلیارد ریال از اشخاص حقیقی و حقوقی، بستانکار می‌باشد...»^(۱۲): (مال بی‌صاحب، دل بی‌رحم!) اما از همه جالب‌تر این‌که، برخی از مدیران خریدار واحدها، نه تنها از همه امکانات مشروع و نامشروع استفاده می‌کرده‌اند، بلکه چیزی هم

«دستی» می‌گرفته‌اند و در واقع، دولت، هم چوب را می‌خورده و هم پیاز را. ملاحظه بفرمایید: «سوابق موجود نشان می‌دهد تعدادی از مدیران که سهام تعدادی از شرکت‌ها را از طریق مذاکره خریداری نموده‌اند، علاوه بر بهرمندی از حمایت‌های جنبی که شرح ماقع آن، در تک‌تک گزارشات پیوست آمده، وجوهی نیز بابت وام، از شرکت سرمایه‌گذاری سازمان صنایع ملی ایران دریافت نموده‌اند که قسمت اعظم وجوه نقدی مورد معامله و یا قسمتی از اقساط را، از همین محل وام، پرداخت نموده‌اند...» (۱۳)

در این میان نقش دستگاه قضاییه کشور نیز جالب توجه است. بی‌آن‌که تفسیر و تأویلی به موضوع بیفزاییم که سوءتفاهم شود، به این بخش از گزارش نیز توجه فرمایید:

«با توجه به تخلفات انجام یافته در واگذاری سهام و اعترافات نهادهای مردمی و شخصیت‌های ملی و مقامات کشوری، کارشناسان سازمان بازرسی کل کشور به سرپرستی آقای رعیت، در نیمه دوم سال ۷۳ پس از ابلاغ قانون نحوه واگذاری سهام متعلق به دولت به ایثارگران، در وزارت صنایع و سازمان وابسته، مستقر و کار رسیدگی به سهام واگذار شده را، آغاز می‌نمایند.

بازرسان مذکور، هنگامی وارد کار بازرسی می‌شوند که تخلفات وسیع انجام شده و سهام شرکت‌ها، با حداقل قیمت ممکنه، به اشخاص واگذار گردیده بود.

تعداد شرکت‌هایی که مورد رسیدگی بازرسان قرار گرفته بود، دقیقاً برای این هیأت (کمیسیون امور اقتصادی مجلس) مشخص نیست، لیکن سوابق نشان می‌دهد: تعدادی از گزارشات (حدوداً ۲۵ مورد) جهت رسیدگی به قوه قضاییه ارسال گردیده و علی‌رغم گذشت حدود پنج سال، تاکنون، نتیجه‌ای از سوی دادگاه مربوط اعلام نشده است...» (۱۴) - فاعتبرو یا اولی‌الابصار! (۱۵) (پس ای بینش مندان، پند گیرید!)

سرانجام، تخلفات اساسی انجام گرفته در مورد واگذاری سهام دولت در شرکت‌ها و کارخانه‌ها، به شرح زیرین، فهرست‌بندی شده است:

الف - تخلفات مورد نظر سازمان بازرسی کل کشور:

۱- عدم انتشار آگهی فروش در

روزنامه‌های کثیرالانتشار، قبل از واگذاری‌ها
۲- عدم دریافت تمام (۲۰ درصد) بخش معامله به صورت نقدی

۳- عدم رعایت قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۳۷

۴- تعلل و تسامح در وصول اقساط

۵- فروش سهام به‌بهای کمتر از قیمت واقعی

۶- عدم رعایت ماده ۵ قانون نحوه

واگذاری سهام به ایثارگران و کارگران

۷- عدم رعایت ماده ۱۱ قانون نحوه

واگذاری سهام به ایثارگران و کارگران

۸- واگذاری سهام تعدادی از شرکت‌ها به

مدیران جدیدالانتصاب بدون توجه به سابقه

آنان

ب - تخلفات مورد توجه هیأت تحقیق و

تفحص مجلس:

۱-... تضييع حقوق دولت در ۴۷ شرکت

براساس محاسبات کمیته‌های قیمت‌گذاری

سازمان‌های صنایع ملی و گسترش و نوسازی.

۲- تخلف از ماده ۹ قانون ایثارگران و

تبصره ۴۹ قانون بودجه سال ۷۳ در خصوص

عدم واریز وجوه حاصل از فروش به حساب

خزانه.

۳- تخلف از ماده ۳ و ۵ قانون ایثارگران و

کارگران در خصوص عدم رعایت فروش

اقساط و فروش از طریق بورس و مزایده.

۴- تخلفات انجام شده از مصوبات شماره

۵۲۸۳ مورخ ۷۰/۲/۲۹ و مصوبه ۱۲۱۳

مورخ ۷۱/۲/۱ هیأت وزیران و آیین‌نامه‌های

شورای اقتصاد.

۵- تخلف از مصوبه ۵۱۰۲۱ مورخ

۷۱/۱۰/۲۶ هیأت وزیران در خصوص عدم

رعایت صرفه و صلاح دولت.

۶- تخلفات انجام شده از شرایط بورس،

مزایده و مذاکره.

۷- تخلفات انجام شده از دستورات وزیر

صنایع و مفاد قراردادهای منعقد

۸- تخلفات انجام شده در مورد پرداخت

وام به شرکت‌های فروخته شده

۹- تخلفات دیگر... (۱۶)

چنانکه دیده می‌شود، در موضوع واگذاری

سهام دولت در شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی،

مسئولان کار، به اندازه تمام مواد قانون

مجازات، مرتکب گناه و عملیات مجرمانه

شده‌اند و به اصطلاح، از وزیر وزارتخانه تا

پیشخدمت دم در، همگی مسئولند و تحقیقاً اکثر قریب به تمام اقدامات طرفین معامله (فروشنندگان و خریداران سهام)، از دیدگاه قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه کشور، باطل و مستوجب تعقیب و مجازات کیفری است. اهم مبانی تعقیب کیفری مرتکبین تقلبات و تخلفات یاد شده و مراجع مربوط، به اختصار، عبارت است از قانون اساسی - قانون مجازات اسلامی - قانون دیوان محاسبات که ذیلأ به پاره‌ای از مفاد آنها اشاره می‌شود.

الف - قانون اساسی

اصل چهل و نهم - دولت موظف است:

ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس،

سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات،

سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات

دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات

اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد

غیرمشروع را، گرفته و به صاحب حق رد کند و

در صورت معلوم نبودن او، به بیت‌المال بدهد.

این حکم، باید، با رسیدگی و تحقیق و ثبوت

شرعی، به وسیله دولت اجراء شود.»

اصل یکصد و پنجاه و ششم - قوه قضاییه،

قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و

اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و

عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد

تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل

دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام

لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون

معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و

آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر

مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزایی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع

جرم و اصلاح مجرمین.

ب - قانون مجازات اسلامی:

ماده ۵۹۸ - هر یک از کارمندان و کارکنان

ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها

و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به

دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و

مؤسساتی که زیر نظر ولی‌فقیه اداره می‌شوند

و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک

سیاسی / اجتماعی

مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی، اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی، اعم از رسمی و غیررسمی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه، به آنها سپرده شده است را، مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد، بدون آن‌که قصد تملک آنها را، به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرة‌المثل، به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور، به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط، موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیرمورد معین یا زائد بر اعتبار، مصرف نموده باشد.»

ماده ۶۷۴ - هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن، به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار، با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده، آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها، استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

ج - دیوان محاسبات

ماده ۱ - به منظور رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به حساب درآمد و هزینه و اسناد هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و کلیه عملیات محاسباتی و مسداریک و اسناد هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و تفریق حساب‌های مربوطه و همچنین اظهارنظر درباره گردش امور مالی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نیز اجرای وظایف مندرج در قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات مربوط، دیوان محاسبات طبق مقررات این قانون، اداره می‌شود.

ماده ۳ - دیوان محاسبات دارای پنج شعبه و یک دادسرا و تعداد کافی ممیز حساب و مستخدمین اداری می‌باشد...»

ماده ۱۱ - ریاست دادسرای دیوان محاسبات، با دادستان است. دادستان به عنوان نماینده دولت، در حدود قوانین و مقررات مالی، در حفظ حقوق دولت، اقدام می‌نماید. دادستان می‌تواند برای این قانون، شخصاً مراجعه (کند) یا این مأموریت را، به یکی از دادیاران محول نماید.

ماده ۲۲ - هرگاه دیوان محاسبات، ضمن رسیدگی به حساب، به عملی برخورد نماید که مشمول یکی از قوانین جزایی باشد، مکلف است موضوع را از طریق دادستان دیوان محاسبات، برای تعقیب کیفری، به مراجع صلاحیتدار، اعلام نماید. این امر، مانع از ادامه رسیدگی به حساب مزبور، در دیوان محاسبات نخواهد بود.

با نگرش به مطالبی که مختصراً گذشت، اینک «مدعی‌العموم» تهران و دادستان دیوان محاسبات، در برابر یک سوءاستفاده کلان از منال عمومی قرار گرفته‌اند و وظایف قانونی آنان، آغاز گردیده است.

باید توجه شود که دارایی عمومی کشور که برای اداره تصدّی به هریک از وزراء، کارکنان دولت و عوامل دیگر سپرده شده است، تماماً حالت مال امانی را دارد و اداره‌کننده و متصدی، هرکس و دارای هر مقامی که باشد، نسبت به اموال تحت اداره و تصدی‌اش، در حکم امین است و هرگونه تعلّل یا تسامحی که در راه نگهداری این دارایی‌ها، از او سر بزنند، به منزله خیانت در امانت شمرده می‌شود.

موضوع مورد بحث از مقوله جرایم عمومی است و مرتکبین جرائم، همگی امناء مردم بوده‌اند و خیانت کرده‌اند و نیازی به اعلام شکایت از جانب اشخاص حقیقی یا حقوقی نیست و مقامات یاد شده، به ویژه مدعی‌العموم تهران، به محض آگاه شدن از موضوع، به مصداق آیه شریفه قرآنی: *ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها* (خدا، به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را، به خداوندان آن باز گردانید) (۱۷) موظف به اقدام و رسیدگی و تعقیب و رسانیدن بزهاکاران به کیفر قانونی و پس گرفتن منال عمومی از چنگ آنان و باز گردانیدن آن منال به حیظه تصرف دولت

هستند.

روشن است که مدعی‌العموم تهران و دادستان دیوان محاسبات، نمی‌توانند متعذّر به عذر آگاه نبودن از قضیه باشند زیرا که موضوع سوءاستفاده در واگذاری سهام دولتی به بخش خصوصی، هم در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مطرح گردیده و هم در جرید کشور به چاپ رسیده و هم شرح کامل آن از دستگاه‌های خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی، انتشار یافته است و با این چگونگی، برای حضرات یاد شده، عذری باقی نیست که در جهت جلوگیری از جپاول سرمایه‌های ملی و ممانعت از تبدیل بیت‌المال به بیت‌الما اقدام کنند.

مدعی‌العموم تهران، در مواردی، به ویژه مورد تعقیب اهالی مطبوعات، نشان داده است که شخصی است جدی، قاطع، سریع‌العمل و شدیدالعقاب و اینک، مرحله آزمایش جدیدی از انجام وظایف قضایی، پیش روی ایشان است. باید منتظر باشیم و ببینیم که این مرحله مهم ملی را، چگونه از سر خواهد گذرانید. هرچند که تعقیب قانونی این چپاولگران بی‌باک، کار ساده‌ای نیست و اینان، یقیناً افرادی بی‌دست و پا و بی‌یار و یاور نیستند و صید لاغر به شمار نمی‌آیند و بی‌گمان، اول کدخدا را دیده، آنگاه ده را چابیده‌اند و طبیعاً دستگاه قضاییه، در مصاف با این گروه، روزهای دشواری را پیش روی خواهد داشت.

به هر روی، به قول معروف: این گوی و این هم میدان!

- ۱- خدا، زیادشان کند.
- ۲- این مقاله به روز ۱۳۷۹/۲/۲۹ نوشته شده است.
- ۳- خدا یاورشان باشد
- ۴- از هم پراکنده و نابود شده
- ۵- روزنامه هم‌میهن شماره ۶۴ - ۱۳۷۹/۲/۲۶
- ۶- توضیحات اضافه می‌شود که شرکت دنا و مؤسسه اقتصادی فاطمیه، در شماره ۱۲۸ - ۱۳۷۹/۲/۲۹ روزنامه بیان، درباره مطلب مورد بحث، توضیحاتی داده‌اند که ظاهراً چیزی از واقعیت مطلب قبلی نمی‌کاهد ولی به هر حال بررسی و تفسیر آن، برعهده کارشناسان اقتصادی است.
- ۷- روزنامه بهار شماره ۱۳۷۹/۲/۲۴
- ۸- متن گزارش روزنامه مذاکرات مجلس شماره ۱۶۰۸۵
- ۹- قرآن - حشر ۲
- ۱۰- متن گزارش روزنامه مذاکرات مجلس شماره ۱۶۰۸۵
- ۱۱- قرآن - نساء ۵۸